

انجمن مجازی ترانه سراها تقدیم میکند

پرنده وار

مجموعه دوم



به نام یکتا

انجمن مجازی ترانه سراها ، تنها انجمن تخصصی ترانه در ایران تقدیم میکند.



www.tarane-soraha.com

www.۹۱۹۱۶-۲۰۱۹۱۹.com



نام کتاب : پرنده وار (مجموعه دوم)

گرد آورنده : انجمن مجازی ترانه سراها

طراح جلد : نیلوفر احدی

صفحه آرایی : سبحان مرادی

ناشر: انجمن مجازی ترانه سراها

تاریخ انتشار : پاییز ۱۳۹۰

آدرس : www.tarane-soraha.com

آدرس ایمیل : tarane.soraha@gmail.com

شماره تماس : +۹۸۹۳۷۵۴۰۱۲۰۰

با تشکر از میلاد دارابی

**توجه ! استفاده و باز نشر آثار این کتاب بدون اجازه صاحب اثر مجاز نمیباشد.
قرار دادن هرگونه لینک و تبلیغات ممنوع است.**



مقدمه:

سلام

استقبال خوب مخاطبین از مجموعه اول ترانه پرنده وار با بیش از ده هزار دانلود از سایت های مختلف ، موجب شد تصمیم به انتشار مجموعه دوم این کتاب بگیریم.

ظرفیت بالای دنیای مجازی محیطی مناسب را جهت ارائه آثار ترانه سرایانی که فرصت مناسبی جهت ارائه ترانه های خود ندارند را فراهم نموده است. انجمن مجازی ترانه سراها با استفاده از این ظرفیت ها و با هدف هرچه بیشتر شناساندن ترانه سرایان در اقصی نقاط کشور ، سعی در معرفی بیشتر آنها به جامعه موسیقی و ترانه دارد. لازم به ذکر است که متأسفانه به دلیل وجود معضلاتی از قبیل عدم رعایت کپی رایت و عدم توجه به مسائل اخلاقی در این محیط ، در مجموعه قبلی شاهد سوء استفاده هایی از قبیل تغییر نام ترانه سراها به عنوان منتشر کننده اثر و جایگزین نمودن نام سایت های مختلف به جای ترانه سراها بودیم که امیدواریم با ذکر این نکته که «تنها منتشر کننده این کتاب انجمن مجازی ترانه سراها می باشد» شاهد همچنین اتفاقاتی در انتشار این مجموعه نباشیم.

خواهشمندیم در صورت تمایل نسبت به استفاده از ترانه های این مجموعه با مدیریت انجمن تماس حاصل فرمائید.

امیدواریم با معرفی این کتاب در جامعه های مجازی نظیر فیس بوک ، گوگل پلاس و ... به دوستانتان ما را در جهت رسیدن به هدفمان یاری فرمائید.

با سپاس

انجمن مجازی ترانه سراها

پاییز ۱۳۹۰

فهرست

به ترتیب حروف الفبا

۷	<u>ستایش الماسی</u>
۱۱	<u>نیلوفر احدی</u>
۱۳	<u>مینا امری</u>
۱۵	<u>مهدی اورعی</u>
۱۸	<u>نجمه ایزدی</u>
۱۹	<u>مجتبی جعفری</u>
۲۱	<u>پونه حدادیان</u>
۲۴	<u>علی حکمتی</u>
۲۸	<u>فروغ حیدری</u>
۳۲	<u>میلاذ دارابی</u>
۳۶	<u>حدیث دهقان</u>
۳۷	<u>لیدا رشیدی</u>
۴۱	<u>مجید شفیع</u>
۴۲	<u>مصطفی شیخ زاده</u>

فهرست

به ترتیب حروف الفبا

۴۶

۴۷

۴۹

۵۰

۵۳

۵۴

۵۶

۵۷

سید احد شیرین نژاد

قاسم عباسی

فریده علی نیا

فیروزه محمدی

مهدی مقامی

نرگس میرفیضی

احمد یزدانی

پوستر

یادِ تو

هر جا که میرم یاد تو اونجاست
هر جای این دنیای دلگیرم
هر خاطره رو به چشم بازه
هر جا که بی دستای تو میرم

من هر نفس یاد تو میفتم
هر روز و هر لحظه که دور میشی
دلتنگتم اینو تو میدونی
وقتی که سرد و بی عبور میشی

هر خاطره دنیایی احساسه
حتی تو اون روزای بارونی
مرز سکوتو اسم تو میشکست
روزی که میگفتی نمیمونی

هر جاده خالی از نگاه توست
من چشم به راهت اشک میریزم
رویاتو دارم توی این خونه
اما از این تنهایی لبریزم

بین منو تو جز تو راهی نیست
تا وقتی عکسِ پشت پلکامی
کی با من دیوونه میسازه
جز تو که اوج عشق و معنای

اینجا فراموشی یه تسکینه
اما برای من فقط دردِ
کی میگه دوری تا ابد از من
کی میگه "رفته بر نمیگرده"

ستایش الماسی

رویای رفته

دلَم میخواست بدونی بی تو میمیرم
ولی از من چرا چیزی نمیدونی
چقدر راحت نشستی رو به روی من
میگی از بودندت با من پشیمونی

تموم خاطراتو بردی از یادت
منو تنها تو اوج غم رها کردی
میگی عشق منو تو رو به پایانه
از این بیراه ها میخوای که برگردی

نمیدونی چقدر بی تو پریشونم
تو این دنیای بی روح و پر از تردید
نفهمیدم چرا دستامو رد کردی
با اینکه چشمت عشقو تو نگام میدید

همه دنیامو پای عشق تو باختم
بدون بی تو برام چیزی نمیمونه
تو میری بی منو من بی تو میمیرم
به جز من کی دیگه چشمتو میخونه

برو دنیای من با تو یه ویرونه س
میدونم قلب تو از من دیگه سیره
همیشه اونکه میخوای عاشقش باشی
همه احساستو نادید میگیره

ستایش الماسی

دیوار جدایی

بین دنیام چه دلگیره با این روزای تکراری
نمیشه دیگه باور کرد هنوزم دوستم داری
میون ما یه دیواره به پهنای فراموشی
رو چشمت سایه میندازه نگاه تلخ خاموشی
یه احساس پر از تردید داره دنیامو میگیره
یه دیواره میون ما ، داره فردامو میگیره
دارم از یاد تو میرم داری از قصه مون میری
به تو محتاجم اما تو میگی از حس من سیری
تو چشمم غصه میشینه ، تو چشمت سرد و بی رحمه
پر از آشوب تقدیرم ولی اینو نمی فهمه
تموم خاطرات مردن چقدر این قصه تاریکه
یه حسی تو دلم میگه سقوط عشق نزدیکه
دارم معنای تدریج یه مرگو تازه میفهمم
من احساس تو و درد و به یک اندازه میفهمم
چرا پایان ما این شد کجا رفت اون همه احساس
چه ساده حس تنهایی توی دستای من پیداس
بین دنیام چه دلگیره با این روزای تکراری
با چشمت اینو فهموندی دروغه دوستم داری

ستایش الماسی

بود و نبود!

از بعد رفتنت چیزی عوض نشد
جز اینکه بی کسی دست منو گرفت
هستی من فقط لبخنده ی تو بود
کی بود که نیستی و هست منو گرفت

از بعد رفتنت چیزی عوض نشد
تنهایی پر نزد دلتنگیام نمرد
گفتی که بعد تو تنها کسم خداست
اما خدام منو دست غمام سپرد

رفتم بدون تو تا مرز گم شدن
این جاده هم مته من بی نشونه بود
قصه به سر رسید بی تو، بدون ما
تقدیر و سرنوشت، تنها بهونه بود

فردای بی چشات دیروز ماتمه
هرچند که بودنت آرامشم نبود
گفتم بمونو باز زجرم بده، نرو!
هر چند که گفتمو این خواهش نبود

با تو، بدون تو فرقی نمیکنه
وقتی که زندگیم هم معنیه غمه
وقتی میون ما دریای حسرته
وقتی برای من دنیا جهنمه

چیزی عوض نشد جز من که رد شدم
از خاطراتمون از اون شبای سرد
باشی پر از غم، نیستی یه بی نشون
دنیا منو رفتنت بازم عوض نکرد

ستایش الماسی

سایه ی دوریت

لب من پُر از سکوتِ , دلم از جنسِ یه شیشه
تو خودت آخرِ عشقو میدونی چجوری میشه

تو خودم میریزم عشقو, این سکوتِ گریه هامه
لحظه لحظه دوریه تو, مته یه سایه باهامه

پُر میشم من از سکوتی که فقط از تو میخونه
آخه کی اندازه ی من قدرِ سایه تم میدونه

پُشتِ پا میزنم اینجا به غمی که رو به رومه
حتی داشتنه خیالت تو سکوتم , آرزومه

نیلوفر احدی

وقتی دستامو میگیری

وقتی دستامو میگیری ، گرمِ این حسِ تو میشم
نمیخوام حالم عوض شه ، پس بمون همیشه پیشم

وقتی دستامو میگیری ، قلب من آرام نمیشه
توهمونی که پروزی ، تو وجودم کردی ریشه

وقتی دستامو میگیری ، حالمو تغییر میدی
با سر انگشتای داغت ، حسی از تبخیر میدی

وقتی دستامو میگیری ، آسمون ابری نمیشه
ساز ناکوک خیالم ، مسته بی صبری نمیشه

دستامو دستایِ پاکت ، عمریه دلداده هستن
باهم عهدنامه ی عشقو خیلی صافو صاده بستن

نیلوفر احدی

معادلات خوشبختی

یه دریا دل من بوسه یه دنیا لب تو قحطی
داره کم کم عوض میشه معادلات خوشبختی

داره جونمو تنهایی تو آغوش تو می گیره
تموم آزو هامون رو دستای تو می میره

باید راضی به رفتن شم ازین تردید بیزارم
می خوام اما نمی تونم تورو پیشم نگه دارم

یا کاری کن ازین کابوس به رویای تو برگردم
یا جوری دل نکن باور کنم من با تو بد کردم

مینا امری

نمی خواستم

نمی خواستم بره از یادِ دستات
هم آغوشی با این دستای سردم
حواسِ تو نبود وقتی که دل رو
به عشقت ساده من آلوده کردم

از اون اول نگاهت آشنا بود
یه حسی تو دلم می خواس بمونی
یه چیزی تو نگات تغییر کرده
دارم شک می کنم که تو همونی

می خوام تنها بشم مثل قدیما
همون روزا که دستام آرزو بود
واسه بوسیدنم صبّ نمی کردی
نمی گفتی حالا دیره حالا زود

بده دنیامو پس می گیرم از تو
توو این روزا فقط همینو می خوای
پشیمون می شی اینو مطمئنم
چقد دیره واسه افسوس ای وای

مینامری

حسادت

حسودی میکنم من
به اونکه از تو سیرابه
همونی که کنارت هست
شبا پیش تو میخوابه

همون نامرده مغروری که دستاتو ازم دزدید
من و آواره تر کرد و به اشکای دلم خندید

همون که با تو خوشبخته
تو که بی من سفر کردی
منو بردی به رویاهات
همونجا در به در کردی

به من قول وفا دادی
زدی زیرش خیالی نیست
اگه حالمر و می پرسی
فلانی مُرد ملالی نیست

یه بغضه خسته اینجا هست
میخوام تو سینه جاری شه
بیاد تو خواب تو امشب
شبیه زخم کاری شه

حسودی میکنم من
به اونکه از تو پر میشه
دل تو پیش من جا موند
اگه باشه چطور میشه؟

خداییش کم گذاشتم من
از عشق و عاشقیم کم شد؟
محبت بیشتر از این؟
سرم هم پیش تو خم شد

منو رسوا ترین کردی خودت هم قهرمان تیم
تو این بازی رو در رو دوتایمون خطا کردیم

مهدی اورعی

دل تنگی

دلَم تنگه تو رو میخواد
بهونه کرده چشما تو
بیا و مهربونی کن
بزار عاشق بشم با تو

کویر خسته ی قلبم
به احساسات تو وصله
تو وقتی پیش من باشی
دلَم زیباترین فصله

نگاهم با نگاهه تو
همیشه گیر حرفاشه
کسی از رازه قلب من
محاله با خبر باشه

همین که عاشقت هستم
واسم یک عمر شیرینه
ولی انگار چشمه تو
غریبی مو نمیبینه

مهدی اورعی

عبرت

صدات مرگ منو میخواد ، نگاهت حرفها داره
دلت از غصه هام سیره ، چقدر آشوب بازاره

دلت گرمه ولی دستات ازین دلسردیا سـرـده
ازین غوغات فهمیدم ، تو سینت خونه ی درده

نمیشه باورم اینکه تو رفتی از کناره من
یکی انگار اینجا هست ، میگه قفل دلو بشکن

نَفَس تو سینه محکومه ، به جرم عشق پردازی
تو با حکم قصاص نَفَس ، ازم سرمشق میسازی

مهدی اورعی

رویا

یه بغض ترد و سرخورده
من و این خونه ی خاموش
چشام با گریه همسایه
دلَم با غصه هم آغوش

نه یه همراه و همخونه
نه یه سایه نه یه همدم
به این دنیای بی رونق
دارم خو میکنم کم کم

یه غربت پا به پای من
هم آوازم سکوت شب
یه شب از جنس بی فردا
یه شب از جنس بی کوکب

من اینجا با خودم تنها
تورو میسازم از رویا
پر از گل میشه این خونه
پر از خنده، پر از آوا

شب من نقره ای میشه
چشام همخونه میبینه
تو میمونی کنار من
تموم آرزوم اینه

ولی کوتاهه این رویا
دوباره با خودم تنهام

نجمه ایزدی

توهم

هر لحظه با دستای تو
روی دلم خط میکشم
رویایی تر از این نشو
نمیخوام عاشقت بشم

اینقد به من خوبی نکن
تو چشم من خیره نشو
همپای این دیوونه که
از زندگی سیره نشو

بگو دل سرد منو
داری کجاها میبری؟
من واسه تو خیلی کم
تو خیلی از من بهتری

از قلب من گذشته که
لایق خوشبختی بشه
تو دیگه درگیرش نباش!
خدا خودش به فکرشه

وقتی که لبخند میزنی
وقتی قدم هات با من
انگار تمام جاده ها
پیش ما زانو میزنن

دوباره با این خنده ها
دنیا منو زیر و رو نکن
پایان من دست توئه
پایان منو شروع نکن

مجتبی جعفری

هنوز پی لحظه ای ام
که قلب تو پیش من
که ابتدای بودنت
پایان تشویش من

نگو نمیدونی که من
محتاج دستای تو ام
امروز و فردای منی
دیروز دنیای تو ام

تو حالت از من بهتره
پس من چرا دلواپسم؟
پس واسه چی درگیر یک
رویای دور از دسترسم؟

یه معجزه لازمه تا
از فاصله دس بکشی
یه روزگار آروم بشم
یه لحظه عاشقم بشی

من مومنم به عشق تو
به لحظه ی رسیدنت
حالا تو تنها کافری
به من که می پرستمت

از لابه لای کوچه ها
بیا به سمت خاطره
نذار که روزای قشنگ
از یاد هردومون بره

تو حالت از من بهتره
پس من چرا دلواپسم؟
پس واسه چی درگیر یک
رویای دور از دسترسم؟

یه معجزه لازمه تا
از فاصله دس بکشی
یه روزگار آروم بشم
یه لحظه عاشقم بشی

مجتبی جعفری

ترس - از دست دادن - رویاهام ...
نفس زدنت توی جاده مه میشد...
تمام - ثانیه بوی بغضو می داد ،
وعشق زیر قدم های تو له میشد !

من آه میکشیدمو بغض پابه ماهی که
تو حصار گلوی من تکون می خورد ...
تمام زندگیمو یک جا می بارید ...
تمام - رویاهام با رفتنت می مرد !!!

رد پای تو توی جاده ها جا موند ...
میون غبارهای دور، دست تکون دادی
شکست من به دست تو اتفاق افتاد
وقتی تمام منو به غربت اذون دادی !!

پونه حدادیان

کافی شاپ روبه روی پارک پیروزی

من ، تو ، کافی شاپ - روبه روی پارک پیروزی
خیابون - خیس ، هوای سرد ، بارون می باره !
نگاه های داغی که ازم می گیری
ودلهره ی این سوال که : هنوزم دوستم داره ؟

من ، تو ، کافی شاپ - روبه روی پارک پیروزی
تمام - من : رویای متحرکی که کابوسه !!!!!!!
و ته - فنجون - تو ...طرح - زن و مردی
که مرد دیگه زن هرگز نمی بوسه.....!

تمام - لحظه هامون یک خلوت - سرده ...
تمام - لحظه هامونو تو می بردی
تمام - خاطرات - مشترک جا موند
ته - فنجون - قهوه ای که می خوردی

من ، تو ، کافی شاپ - روبه روی پارک پیروزی
خیابون - خیس ، هوای سرد ، بارون می باره !
من ، یعنی تمام - لحظه هام بی تو
من ، یعنی دلهره ی این سوال که:هنوزم

پونه حدادیان

متروی کرج تهران

متروی کرج تهران - یک روزه بارونی
نگاه های هیزه مردی که کلاه داره !!
کرج یعنی: تمام سهم من از عشق...
کرج یعنی : تو دلم دلهره می باره !!

متروی کرج تهران - یک روزه بارونی
ضجه های پنهنویم که حلول - احساسه
مسیره قطاری که میره تا شهرم ...
و تبسمی که رو لبم آهسته می ماسه !

تمام - تو رو من با خودم بُردم ...
از شهره شلوغی که تو رو ازم میگرفت
تهران، معنیه تمامه شب گریه های من
تهران ، یعنی صدامو غم می گرفت ...

تمام تو رو من با خودم بُردم
از خونه ای که رنگ و بو تو نداشت
تهران ، شهر کثیف - آلودگی هامه
از این شهر کثیف که آرزوتو نداشت !

پونه حدادیان

منفور

دارم تو چشم تو منفور می شم
به این رفتن دارم مجبور می شم
دلَم می خواد بهت نزدیکتر شم
ولی با هر قدم باز دور می شم

دارم می رم تا آسوده بمونی
دارم می رم که دیگه برنگردم
دلَم راضی به این رفتن نمیشه
آخه یک عمر به حرفات تکیه کردم

چرا اینجوری شد حال من و تو
هنوز درگیر حل این معمام
همه دنیا باهامه اما بی تو
هنوز حس می کنم تنهای تنهام

یه بغض کهنه امشب تو گلومه
که دنیامو بازم بارونی کرده
هوای دیدنت امشب دوباره
تو این خونه منو زندونی کرده

می شینم خیره به این در که انگار
واسه دیدارت امشب باز مونده
ببین عشقت چه جور این تشنه لب رو
دوباره سمت این دریا کشونده

نمی دونم برم یا که بمونم
به دیدارت هنوز امید دارم
دلیل اینکه باز اینجام تویی تو
به این رفتن هنوز تردید دارم

علی حکمتی

به من که می رسی باز سرد و خسته ای
بهت که می رسم باز تازه تر میشم
هی طعنه می زنی این آدمای شوم
اما به خاطر تو من کور و کر میشم

از من فراری و هی دور تر می شی
فک می کنی شاید من بگذرم ازت
اما نمی دونی چیزی که می تونه
بین ما سد بشه مرگ منه فقط

جذبت میشم ببین دفعم که می کنی
انگار یکی منو سمت تو می کشه
این قلب عاشقم مست نگاهته
هیشکی نمی دونه این قلب من چشه

بامن بدی نکن دنیا منو دس بگیر
قلبم رو پس زدی قلبم رو پس بگیر
دیوونگی نکن دیوونگی بسه
دیوونه ی تو این مرد سربرزیر

هرکاری می کنم فکر تو بامنه
رویای بودنت هر شب کنارمه
هی از تو می گم و هی آه می کشم
یک عمره نازنین این تنها کارمه

شبهها بدون تو خوابم نمی بره
رو بوم آسمون عکست رو می کشم
هی از تو می خونم تو خلوت خودم
اشکه که جای خواب میشینه تو چشم

یک دنیا بی کسی این حق من نبود
بدجوری از کارات این روزا شکیم
فرقی نمی کنه انگار برای تو
تو خلوت خودم همخونه با کییم

با من بدی نکن دنیا منو دس بگیر
قلبم رو پس زدی قلبم رو پس بگیر
دیوونگی نکن دیوونگی بسه
دیوونه ی تو این مرد سربرزیر

علی حکمتی

بیا و اشکامو پاک کن
ازین فاصله هم میشه
نذار تا آسمون من
بازم تاریک و ابری شه

ازین فاصله هم میشه
همین احساسو باور کرد
هوای کوچه هامونو
با یک بوسه معطر کرد

ببند چشمتو آهسته
ازین زندون بزن بیرون
ازین تلخی ازین تکرار
ازین دنیای ناموزون

ببند چشمتو آهسته
همه دیوارارو رد کن
تموم سد ها رو بشکن
خودت رو توی رام سد کن

منو همراست تصور کن
ببین قلبم چقد شاده
ببین تصویر دنیامو
که تو چشم تو افتاده

منو همراست تصور کن
عجب تصویر شیرینی
ببین انگار تو با دستات
داری دنیامو می چینی

بیا تقویم و باطل کن
شروع قصه از اینجاس
ته دنیامونیم اما
همین ته مونده هم زیباس

تو از اینجا من از اونجا
من و تو هر دو می تونیم
بذا دستاتو تو دستام
تا دنیا رو بچرخونیم

علی حکمتی

لبخند

هنوز وقتی که می خندی چشات رنگ عسل میشه
تموم غصه های من تو لبخند تو حل میشه

هنوز وقتی که می خندی با تو پُر می شم از شادی
ببین مغرور مغرورم کنار من که ایستادی

هنوز حس می کنم با تو تموم دنیا شیرینه
با تو خوشبخت خوشبختم تموم حس من اینه

بیا اینجا کنار من تموم غم هاتو گم کن
یه دنیای پر از عشقو تو آغوشم تجسم کن

تو که باشی کنار من همیشه حال من خوبه
بی تو لبریز دلشوره م دلم آشوبه آشوبه

با تو پر می شم از شادی پر از احساس خرسندی
چشات رنگ عسل میشه هنوز وقتی که می خندی

علی حکمتی

بغض من مهر تو

توی غربت خیابون
لحظه ها غرق به خونن
گلای ناز تو باغچه
همشون شکل جنونن

بغض ناتموم ابرا
شده یه رعد شکسته
آسمون دلش کبوده
چشم خورشید شو بسته

سهم گفترا سفرشد
سهم من باز انتظاره
انتظار سرد و خالی
تو شبای بی ستاره

صدای خدا بزرگه
توی آسمون پیچیده
یاد ناله های خاموش
تو خیال من تنیده

تو دل دشت شقایق
باد سرد بی امونه
همه دشتو گرفته
رنگ بیداد زمونه

دل عاشقا کویره
چشاشون یه شوره زاره
روحشون یه کوه دربند
کاشکی مهر تو بباره

کاشکی مهر تو بباره

فروغ حیدری

عطرِ نفسهات

وقتی که چشای نازت توی لحظه هام می بارن
شعراام از نفس میفتن وزن و قافیه ندارن

پیچیده عطرِ نفسهات تو حریم بی کسی هام
رنگ آرامش زدی تو به همه دلواپسی هام

من و دلتنگی و گریه دل به دنیای تو دادیم
حالا از تنهایی دوریم اگه غمگین اگه شادیم

روح لبریز سکوتتم مست اون ناز نگاته
مرهم این دل زخمیم مهربونی صداته

مثل طعم گس بوسه ست لحظه به تو رسیدن
صحنه های خیس رویام عطر آغوش تو می دن

تو رفیق گریه هامی نمیشه ازت جدا شم
حتی یک نفس عزیزم نمی تونم بی تو باشم.

فروغ حیدری

چن وقتیه مُخَدرا
دردمو تسکین نمیدن
باید که باورم بشه
به آخرِ خطِ رسیدن

آهای! صدامو میشنوی
رگایِ من تشنه شونه
سرنگِ خاطراتِ تو
این عطشو مینشونه

یادت میاد که اون روزا
چجوری مبتلام بودی
دچارِ عطرِ تنمو
معتادِ بوسه هام بودی

از اعتیادِ عشقِ من
بگو چجوری رد شدی
چجوری بی وفایی رو
به این خوبی بلد شدی

پس چرا من نمی تونم
از سدِ یادت بگذرم
خیالِ برگشتنتو
دارم به گور میبرم

قسم به چشمت عزیزم
اشکام دیگه تموم شدن
ترانه های بی نفس
آینه یِ روبروم شدن

می خوام که روشنش کنم
امشب برات شمعِ تنو
بسوزم و بسوزونم
کابوسِ بی تو بودنو

به داد این لحظه برس
آغوش من گرمه هنوز
بیا خیالمو ببر
یا توو خیال من بسوز

فروغ حیدری

همنفس

باز نگاه تو نگام کرد تا براش شعر بسازم
هر چی نازو اشک و بوسه اس همه رو یه جا بیازم

باز صدای تو صدام کرد تا دلم برات بمیره
با طنین خنده تو باز دوباره جون بگیره

دوباره دسای گرمت دس سردمو گرفته
دسی که نازکتر از گل به دسای من نگفته

آره باز خواب و خیال بود آره باز نیستی تو پیشم
اما بازم صد هزار بار فدای عکس تو میشم

هر کجا باشی عزیزم دل من همش باهاته
تا ابد تا به قیامت تا همیشه چشم براته

فروغ حیدری

آخ که باز زلال اشکات می چکن رو دامن من
کاشکی ساعتم بخوابه نرسه موقع رفتن

روی گونه های خیسیم که حالا رو شونه هاته
جای سیلی زمونه دیگه رد بوسه هاته

نه دیگه ترسی ندارم گرم آغوش تو هستم
روی مُهر شونه تو من خدا رو می پرستم

باد اومد پنجره رو بست یدفه از خواب پریدم
خدارو هزار دفه شکر که بازم خوابتو دیدم

تحمل کن

حالم داغونه داغونه ، جلوم فانوسی روشن نیس
میدونم که توو این روزا ، تو حالت بهتر از من نیس

روزات تاریکه تاریکه ، شبا تا صبح گریونی
میدونم که توو این روزا ، تو هم داغونه داغونی

تحمل کن تو میتونی
شریکِ دردِ من باش
بدون من مرد میدونم
تو هم مردونه زن باش

تحمل کن تو میتونی
شریکِ دردِ من باش
بدون من مرد میدونم
تو هم مردونه زن باش

به یادِ تو که میفتم دلم آروم تر میشه
چشاتو باز کن چشمام ، داره آروم‌تر میشه

تو این روزای درد آور تو این تاریکی پهلومی
ببین آرومه آرومم ، تو هم توو ظاهر آرومی

میلااد دارابی

عصر یخبندون

تیر میکشه مغزم، خونه پر از درده
از وقتی که رفتی، اسمم فقط مرده!

هی اشک میریزم، خونه چه بی تابه
از پنجره امروز، تاریکی میتابه

تبُ لرز افتاده
توی جونِ خونه
تو که نیستی انگار
عصر یخبندونه

تبُ لرز افتاده
توی جونِ خونه
تو که نیستی انگار
عصر یخبندونه

میلاد دارابی

پنجره گریونه، چراغ بیهوشه
از ترسِ تنهایی، افتادم این گوشه

یخ کرده دست و پام، میمیرم این لحظه
اسمت میاد هروقت، دیوار می لرزه

تو زندگیمونو بردی به بیراهه
اینجا بدون تو، خونه ی ارواحه!!

قطب مخالف

من و تو دو تا قطب مخالفیم
همین نقطه ی اختلاف بین ماس
میخوام راه خوشبختیتو طی کنی
که من راه بدبختیم از تو جداس

صدای قدمهامو کی میشنوه؟!
دارم زندگیمو هدر می کنم
میدونم که موندن به نفعه ولی...
دارم میرم آسون ضرر می کنم!

دارم میرم آروم و با هر قدم
میدونم به بختم لگد میزنم
مثه ادمی که روانی شده!
به سینم خودم دستِ رد میزنم

چشاتو ببند و چشامو نبین
نذار رفتن از پیشِ تو سخت شه
نبین اونی که با تو خوشبخت بود...
داره میره تا بی تو بدبخت شه

من و تو دو تا قطب مخالفیم
دارم زندگیمو هدر میکنم
برو راه خوشبختیتو طی کن و ...
منم میرم اسون ضرر میکنم!!

میلا داریبی

هیچی توو مغزم نیس

هیچی توو مغزم نیس

خالی تر از خالی

یه گوشه افتادم

از درد و بی حالی

دنیا برام انگار

شبیهِ یه رازه

بدجور دلتنگم

بی حد و اندازه

وقتی که بغضِ تو

می شکست ، میرفتم

از خونه می رفتی

از دست می رفتم

دنیامو بی دنیات

تحریم میکردم

وقتامو با وقتت

تنظیم میکردم

یه گوشه افتادم

بدجوری بی حالم

تا وقتی تو نیستی

کور و گر و لالم

هیچی نمیفهمم

هیچی نمیبینم

سرگیجه میگیرم

آروم میشینم

دنیام تاریکه

جونِی توو نبضم نیست

خالی شدم ... خالی

هیچی توو مغزم نیست!

وقتی که بغضِ تو

می شکست ، میرفتم

از خونه می رفتی

از دست می رفتم

دنیامو بی دنیات

تحریم میکردم

وقتامو با وقتت

تنظیم میکردم

میلاَد دارابی

چند ساله دیگه...

این لحظه که من و تو می خندیم
این نیمکت... این ساعت از هفته
چند ساله دیگه اینجا رو
من مطمئنم یادمون رفته

شاید یه روزی باز فهمیدیم
همسایه ی دیوار به دیواریم
شاید دلامونم بخواد اما
چیزی به روی هم نمیاریم

چند سال بعد از خاطرت میره
خاطرمو می خواستی انقد
حساس بودی رو نگاهی که
به من یه جور دیگه زل میزد

از پشت سر تورو نمی شناسم
می دونم این قولی که دادم نیست
من قول میدم قول... اما نه!
چند ساله دیگه... دیگه یادم نیست!

مثل یکی از یادگاری هات
منم یه گوشه خاک می گیرم
انقدر کم یادم می افتی که
وقتی حواست نیست می میرم

چند ساله دیگه بعد از این لحظه
ما روزگارمون عوض میشه
تنها نمی مونیم فقط تنها
جای قرارمون عوض میشه

حدیث دهقان

بلا تکلیف

نمی فهمم چه حالی ام که حتا
زمین می چرخه، من دلگیر می شم
دیگه فصل بهارو دوست ندارم
بههم می گه که دارم پیر می شم

برای کوره راههایی که رفته م
بدهکارم به این پاهای خسته
حالا برگشتم و دارم می بینم
چه پلهایی که پشت سر شکسته

پشیمونم از عمری که گذشته
بلا تکلیف و سر در گم همیشه
توو رویام باغ سبزی دیده بودم
توو تعبیرش تبر شد سهم ریشه

توو این روزایی که دلگیر و خسته م
تو بازم پیش رویاهات نشستی
دلَم می خواد بپرسم خوب دیروز
هنوز توو فکر این دیوونه هستی

نمی فهمی تو حالم رو، من این جا
کنار این جماعت توو عذابم
دلَم می خواد برای هر سلامی
خدا حافظ بشه تنها جوابم

لیدا رشیدی

پشیمونم

با این بُغضی که همرامه
یه چن وقتیه می جنگم
نه راضی میشه برگرده
نه می باره دل تنگم

پشیمونم از احساسی
که از عشقت حذر می کرد
آمون از چشم شوری که
رو قلبم داش(داشت) اثر می کرد

یه شک، شد باورم انگار
یا شاید، باورم شک شد
بُتِ نشکستنی من
واسه م یکهو مترسک شد

دیگه خسته م از اون روزا
که دور بودم از آغوشت
می خوام باز اسم من باشه
روی لبهای خاموش

می خوام سیراب شم از عشقت
که تنهاییم نشه تکرار
می ترسم از سرابی که
کمینه پشت این دیوار

خودت دیدی که دنیامون
بدون هم چه غمگینه
من و یک باور ساده
تموم خواهشم اینه

لیدا رشیدی

خیلی وقته نمی فهمه
همه، حرفاشون کنایه س
خیلی وقته نمی بینه
که حضورش مَثِ سایه س

خیلی وقته که تظاهر
شده کار شبُ روزش
وعده های صد تا یه غاز
حرفِ دیروز و هنوزش

حاضره هرچی که داره
واسه نشنگی ش ببازه
بعد بشینه توو خیالش
آرزوهاشُ بسازه

با حماقت، بی تفاوت
دفتر عشقشُ بسته
نمی فهمه یه فرشته س
اونی که به پاش نشسته

واسه توجیه گنااهش
همیشه فکر بهونه س
واسه آرامش بیشتر
چاره غیبت شبونه س

چشای خیس فرشته ش
هنوزم در انتظاره
اِس اِم اِس هاش بی جوابُ
گریه هاش ادامه داره

بس که کبریتُ کشیده
بالای (بالهای) فرشته سوخته
روحشو انگاری دیگه
به خودِ شیطون فروخته

هنوزم باور نداره
که دُچارِ این قُماره
می گه تفریحیه اما
زندگی شُ پاش می داره

یا باید توو این تعفن
دستُ پا زنون بمیره
یا که بر گرده همین جا
واسه فردا خیلی دیره

لیدا رشیدی

بازگشت به فهرست

بعدی

قبلی

گلایه ی خدا

همین امشب هوس کردم که تا صبح
پای حرفای تو بیدار باشم
تو هم انگار دلت خیلی گرفته
بزار جامون عوض شه من خدا شم

می گی عشق تو رو آدم نفهمید
نخواستش تو وجود تو فنا شه
تموم ماجرای سبب و شیطون
بهبونه ش بود که از بهشت رها شه

حالا روی زمینم بی قراره
سرِ هر چیزی از تو گله داره
میدونه این جا هم هواشو داری
دیگه دست از سرت بر نمی داره

تعجب می کنی از اینکه بازم
نفهمیده که عشقت چاره سازه
گاهی با رشوه و گاهی با گریه
می خواد توی بهشتت قصر بسازه

می گی غمگینی از اینکه می بینی
چقد راه تو رو دشوار کرده
"صراط مستقیمت" رو پیچونده
سرِ عاشقتو بر دار کرده

فرشته هات که گفتن بی نتیجه است
تو گفتی "بارک الله"، پاش نشست
خودت ای مهربون نازنینم
امیدت رو به این دیوونه بست

تو گفتی آخر این قصه خوبه
"خلیفه" ات که هنوز مست غروره
می گی چیزی نمونده تا بدونه
که عشقت آخرین راه عبوره

نمی دونم که این دردِ دِلا رو
تو گفتی یا همه ش خیال من بود
همین امشب نگفتم "حمد" و "سبحان"
ولی مستی وصلت مال من بود

لیدا رشیدی

دلتنگی

تورو تو خواب می بینم، که داری می ری از دنیام
من حتی بی هوا هر شب، باتو می خونم از فردام

دلَم ، دلتنگتو حتی ، نه امیدی که می مونی
نه امیدی که از چشمام ، تو تنهائیمو می خونی

تو اشکای منو دیدی ، گذر کردیو خندیدی
تو خندیدی ، نفهمیدی داری دنیامو می گیری

صدای حق هرشب ، شده آرامش خونه
یه احساسی بهم می گه ، چقد دوری تو از خونه

تورفتیو دیگه انگار ، نمی بینم تورو هرگز
فقط تو خواب من هرشب، بگو آرام، خداحافظ

تو اشکای منو دیدی ، گذر کردیو خندیدی
تو خندیدی ، نفهمیدی داری دنیامو می گیری

داری دنیامو می گیری نگو از دیدنم سیری
بگو تواین پاییز دلمرده، داری بی من کجا می ری؟

کجای غربتی؟ اینجا، دلَم از غصه داغونه
تو رفتی، شهر بی تو، پر از آواز بارونه

مجید شفیع

اسطوره

شبِ کارون تو چشما ته! نگات شر جي اهوازه!
ترو بدجوري ميخوامت، چراشو، نه، نپرس! رازه

شبيه پُل سفيدِ اون دوتا ابرويِ كشدارت
منو درگيرِ خود کرده نگاهِ گرم و تبادارت

"تو ميدوني چي ميگم مو! تو ميشناسي غم و دردُم
تو ميدوني چمه ايطو، خرابم، خسته و زردُم" ۱

شبيه شعر ميترائيك پُر از اسطوره و رازي
منو با قدمتِ انشان از اين ويرونه مي سازي

تو از هر چيزِ زيبايي يه چشمه تو خودت داري
بزرگي مثلِ پارسوماش، وسيعي، دشتِ شيمباري

"تواز حالَم خَوَرِ داري، تو ايدوني دَلَمِ خينه!
تو ايدوني چه زَحمايي مو دارم مِ نِ دلِ سينه" ۲

تو رو با هر زبون ميشه، پرستيد و نيائيش كرد
با هر دست سخاوتمند، ترو ميشه نوازش كرد

مصطفى شيخ زاده

پل سفيد: پل دو قوسی معروف به پل کارون از نمادهای شهر اهواز
شعر میترائیک: از جریان های شعری که خواستگاه آن خوزستان "شهرمسجدسلیمان" است
انسان و پارسوماش: به ترتیب نام های باستانی شهرستانهای ایذه و مسجدسلیمان در استان خوزستان
دشت شیمبار: منقطه ای خوش آب و هوا در خوزستان
۱ و ۲: به ترتیب با گویش بندری و زبان بختیاری سروده شده

خوشبختی

دستات توو دستامه
حس می کنم هستی
حس می کنم با من
یه عهدِ نو بستی

حس می کنم هر روز
عاشق ترم با تو
دستاتو می گیرم
پر می کشم تا تو

دستات توو دستامه
خوشبختی اینجوره
چشم بد از عشق و
احساس ما دوره

خوشبختی نزدیکه
وقتی تو اینجایی
حس می کنم عشقو
حتی توو تنهایی

با تو چقد خوبه
پرسه توی بارون
لبریزم از شادی
مثلِ شبِ کارون

تو حالِ خوبی که
با بودنت دارم
حس می کنم می شه
هر کوهو بردارم

دنیا رو شستِ من
می چرخه اینروزا
وقتی ترو دارم
مالِ منه دنیا

مصطفی شیخ زاده

فاجعه

تو سیاهیای دنیا
تو تگرگا قد کشیدی!
ولی از عمرِ دو روزه
چیزی جز غصه ندیدی

توی هر ترانه سوختی
دل به هر حادثه بستی
فاجعه همینه یک عمر
پر کشیدی و شکستی

عمری بی نفس دویدی
پر گشودی و پریدی
به امید عشق رفتی
ولی هرگز نرسیدی

رفتی و بی تو این زمین
قفس شده برای ما!
گلایه دارم از تو و
گلایه دارم از خدا!

تو رفتی و ترانه هات
همدمِ روز و شبِ ماست
درد و غمه دنیای ما
زندگی مون سرد و سیاست

زندگی حسِ غریبِ
غمترانه های درده
واسه رنجی که کشیدی
آسمون هم گریه کرده

با ترانه پا گرفتی
تو شبِ گریه ی گیتار
موجِ بی قرار بودی
توی دشتِ خشکِ تبار

سخته بی تو، خیلی سخته
لحظه هارو زنده بودن
سخته بی تو ای صمیمی
مثل پوستِ تن و پیرهن

مصطفی شیخ زاده

بازگشت به فهرست

بعدی

قبلی

مثلِ حسی که من دارم

مثلِ حسی که من دارم
تو هم آشوب و غمگینی
تو هم تو این همه رؤیا
فقط کابوس می بینی

مثلِ حسی که من دارم
تو هم چشمان تو می بندی
می بینی تار و دلگیره
به این احساس میخندی

دلَم بد جور پوسیده
نمیشه گفت: آروم
یه چیزی هست تو این شبها
که میلغزه روی روحم

یه چیزی مثلِ تکرارِ
غم و دلشوره و حسرت
که بی تو گم شده دیگه
میونِ عشق یا نفرت

تو برگشتی! ولی دیره
دیگه قلبم ترک خورده
تو روزای بدونِ تو
هزار بار تو خودش ورده

مثلِ حسی که من دارم
تو هم داغون و تنهایی
ولی با این دلِ زخمی
چه امیدی؟ چه فردایی؟

امیدی نیست که ما دیگه
بتونیم مالِ هم باشیم
نمیشه! نه ، محاله که
تو قلبِ همدیگه جا شیم

مصطفی شیخ زاده

پیچ اشتباهی

توی تردیدُ دو راهی
یا یه پیچِ اشتباهی
منُ تو نشسته بودیم
روی چرخ بی پناهی

نه کسی کنارِ ما بود
نه خطر از ما رها بود
نه صدای مهربونی
تووی اون دورُ ورا بود

دستو دادی به دستم
گفتی من کنارت هستم
من با اون دستای - گرمت
یاسُ از چهره شکستم

دست به دست هم نشستیم
دل به هیچ کسی نیستیم
از غبارِ ترسُ وحشت
پا به پایِ هم گذشتیم

حالا خاطرِ تو هر دم
می کنه منو مصمم
که پیام توو شهرِ چشمت
بگم عاشقِ تو هستم

سید احد شیرین نژاد

هر شب کنار پنجره
به خونه تون زل می زنم
باگریه های بی صدام
به رویاهات پل می زنم

آروم کنارت می شینم
سر روی شونه م می زاری
بهت می گم دوست دارم
بهم می گی دوسم داری

حریرموهای تو رو
به آرومی ناز می کنم
تو روبروم می شینی و
هوای آواز می کنم

با گریه می خونم برات
عاشقترین تروونه مو
می خندی و پاک می کنی
اشکای روی گونه مو

دست توی دستام می زاری
گر می گیره همه تنم
نگاه به چشمت می کنم
بوسه به دستات می زنم

خیره می شی توی چشم
می گی که پیشم می مونی
با آتیش مهربونیت
یلداهامو می سوزونی

وقتی که شب سحر می شه
کابوس تنهایی میاد
رویام به آخر می رسه
چشم بازم گریه می خواد

قاسم عباسی

کوچه

تموم طول کوچه رو
به عشق تو طی می کنم
فروردین میلادمو
بی تو دارم دی می کنم

هنوز توی گذشته هام
تو کوچه همراه منی
ازت یه دنیا ممنونم
به رویاهام سر می زنی

کوچه بدون تو برام
یه قبر بی هویته
این شهری که شهر منه
بی تو فقط یه غربته

قدم قدم تو این کوچه
یه زخم از اون چشات دارم
نیستی و جای شونه هات
رو دیواراش سر می زارم

تو قفس سینه ی من
یه قلب مرده می زنه
به جای خاک این زمین
یه دنیا غم روی تنه

کوچه بدون تو برام
یه قبر بی هویته
این شهری که شهر منه
بی تو فقط یه غربته

قاسم عباسی

گلایه

نه اینکه آروم نه اینکه آسودم
تقصیره این بغضه که بی صدا بودم

یه عمره بی پروا اسمتو میارم
پیشونی رو مهر ، یاد تو میذارم

روزی دو رکعت عشق چن رکعتم بوسه
شبهام که رویاهام پابوس کابوسه

بی تو شب احیاس، یه عمره بیدارم
من این حضور تو چن وقته کم دارم

آوار غم رومه ، هر لحظه کم میشم
این دستای تقدیر زد تیشه بر ریشم

میشه حضور تو تندیس فردا شه؟
یلداترین شبهام با تو سحر باشه؟

فریده علی نیا

لحظه انتظار

فندک سنگی و منو یه بسته سیگار
دست ترونه ای نشست ، روسیم گیتار

گم شده خاطراتمون تو حلقه دود
قرارمون تو کافه همیشگی بود

طرح لباس تو هنوز رو صندلی بود
طرح دل ساده ای که شکستنی بود

بوی تنت خورده به این دیوار چوبی
مونده قدمهای تو رو پله به چوبی

لحظه پیدا شدنت ثانیه ها مرد
اسم تورو باد شمالی همه جا برد

حاصل دیدارمن وتو یه غزل بود
رنگ نگاهت به چشم رنگ عسل بود

رو قفسه گرد هوای تو نشسته
بغض منو و آینه ها هردو شکسته

قافیه با پای خیال تو قدم زد
غربت من نظم عروضی رو بهم زد

فیروزه محمدی

مسافر

نشستم کنج این خونه با دوریت سوختمو ساختم
حضور سبز چشمتو به تاریکی شب باختم

تو با بال کدوم رویا به قلب من سفر کردی
چرا عاشق شدی اما بریدی و خطر کردی؟

هنوزم یاد من مونده نگاه طعنه آمیزت
بگو عشق کدوم فرهاد شکسته تاج پرویزت؟

حقیقت تلخ و غمناکه آره ما دل به هم بستیم
شاید این دفتر عشقو باید آسون نمی بستیم

تو با من همسفر بودی کنار من تویه کوپه
نشستی روبروی من، سفر با تو چقد خوبه

میموندم منتظر، چشمت، بیفته تو چشای من
میداشت آروم قدم چشمت تو این حال وهوای من

میدزدید اون نگاه تو، یه لبخند از لبای من
فقط تو عمر کوتاهم، همون روز موند برای من

تو حک بودی روی سینم، به خط میخی انگاری
نخونده جزم حرافاتو، کسیو، تو خبرداری

قطاراما چه با سرعت تو رو از من جدا میکرد
دل از غصه دوریت، نمی دونی چه ها میکرد

تو لبخند میزدی ومن، تبسم با دل زارم
میدونستم نیمونی، به یاد تو گرفتارم

سراسر جسم بی تابم به زهر عشقت آلوده
زدی تیرو به قلب من سزای من همین بوده

فیروزه محمدی

هراس رفتنت

تو دلدل رفتن تو، منم که خاک میشدم
تو خاک ریزِ خاطرت فقط پلاک میشدم

شبای بعد رفتنت چه سرد و پرسکوت بود
تو شاد می پریدی و برای من هبوط بود

بگو که رفتنت فقط خیال بی اساس بود
تونستی که دور شد، بگو فقط لباس بود

هنوز توی کوچه ای، نرفته رد پای تو
هنوز میدوم ولی، نمی رسم به پای تو

گناه من تو بودیو، نگاه تو خطای تو
برای این خطای تو، هزار بار فدای تو

تواومدی شکار من، منم که تو کمینتم
توروی صفحه موندیو منم که پس زمینتم

همیشه باورم شده که بودنت چه خاص بود
تو با من حرف میزدی دلم پراز هراس بود

هراس رفتنت یه روز، که بودنت نیاز بود
دلیل شبهه های من درای نیمه باز بود

هنوز توی کوچه ای، نرفته رد پای تو
هنوز میدوم ولی، نمی رسم به پای تو

گناه من تو بودیو، نگاه تو خطای تو
برای این خطای تو، هزار بار فدای تو

فیروزه محمدی

اگه حالم رو میپرسی

اگه حالم رو میپرسی
بدون تنهام و ویرونم
من این حال پریشون و
به چشمای تو مدیونم

به چشمای تو مدیونم
غمای دل سپردن رو
چه اسون زیر و رو کردی
دل ویرونه ی من رو

خوشم با این پریشونی
خوشم با دوری چشمات
یه کاری کردی بامن که
دلَم میگیره با اشکات

اگه حالم رو میپرسی
هنوز لبریزم از یادت
هنوزم قرق این رویام
که شاید باز میخوادت

هنوزم از تو میخوابم
هنوزم با تو بیدارم
هنوزم مثل مجنونم
به عشق تو گرفتارم

اگه حالم رو میپرسی
بدون با این که غم دارم
خوشم با این پریشونی
فقط چشماتو کم دارم

مهدی مقامی

خسته می شی دوباره از دوباره ها
باز به همون کافه ی رو به رو می ری
دوباره از بریدنم می بری و
دوباره توی صندلیت فرو می ری

به فحش و حرفای سیاسی می رسی
تازه می فهمی که چقد بی طرفی
به بودن مزخرف نبودنت
به نقد بنیاد متون فلسفی

به درد میخ صندلی فک می کنی
به اینکه کی داره صداتو می بُره
فک می کنی درد تو از سکوتته
یا درد میخاس که تنت رو می خوره؟

شکر می ریزی توی لیوان خودت
شکر میریزی که تموم شه تلخیات
این آخرین باور شیرین توه
این آخرین چیزیه که مونده برات!

هرچی که تلخه آخرش سهم توه
گلوی بی گناهو بیشتر می گیره
عین سیگارایی که تو نمی کشی
اما تموم دود توو چشت می ره

خسته تر از اونی که از خودت بگی
بگی هنوز نگفته هات چقد پُرن
دوباره توی صندلیت فرو می ری
میخا هنوز توی تنت وول می خورن!

نرگس میر فیضی

این برگه های خالی از هرچیز، جز تو
این صندلی، این میز، این دیوار کاهی
خوبن همه! باز همون جورن که بودن!
جز من با قرصایی که خوردم اشتباهی!

قرصا مٹ درد نبودت، هضم می شن
گیجم هنوز! تا عمق مغزم داغ داغه!
این سرفه ها تنها صدای زندگیمه
خون، تنها بخش رنگی این اتفاقه!

می افتم از تخت و چشم می چرخه از درد
یادم می افته توی این دنیای تیره م
گفتی: برو از زندگیم... دیدی که رفتم!
دارم به سمت روشن تنهایی میرم!

هر چی که از تو مونده رو بالا میارم
قلبم مٹ این برگه های خالی می شه
دوس دارم این لحظه بیای اینجا ببینیم
می خوام ببینم صورتت چه حالی می شه!

حست چیه وقتی ببینی دیگه دیره
وقتی نفس هامم به سمت مرگ می ره
شاید بیای... باید بیای! اما چه فایده
وقتی تموم این جنازه بو می گیره

وقتی که انگشتای مردن رو گلومه
تصویر تار و مبهم تو روبرومه
رو خاطرات جفتمون بالا میارم
این تنها مرهم واسه حذف آبرومه!

این برگه ها ، این میز، این دیوار کاهی
توو ذهن من می پاشن و صد بخش می شن
قرصا توو دستم... شک و ترس از آخر کار
میریزن از دستم رو قالی پخش می شن!

نرگس میر فیضی

جاده ی خیس

وقتی که بارون می زنه
رو جاده ی رفتن تو
توی تموم لحظه هام
می پیچه عطر تن تو

دلَم میگیره از تو و
فک می کنم بازم بهت
به اون همه خاطره ها
به عشقی که دادم بهت

نمیشه بارون بیاد و
هیچی نگم، دم نزنم
حرفی از اون روزای خوب
از اعتمادم نزنم

گریه یه کم امون بده
دیگه تحمل ندارم
می خوام یه بار بدون تو
چشامو رو هم بذارم

یه بار دیگه یادم بیاد
حس کنمش با دل و جون
یه بار دیگه بخواد بره
هزار دفعه بگم بمون

بهبش بگم بارون که رفت
نامه هامو بخون بازم
گذشته رو ورق بزن
حرف منو بخون واسم

یادمه بارون میومد
وقتی که رفتی از پیشم
هر دفعه بارون می زنه
دوباره دیوونه میشم

احمد یزدانی

تو عالم رو نفر فهرس من اینج جا
کنار اینج جماعت توو عزایم
دلم مر فواد برادر هر سلام

خدا حافظ بسه تنها جوایم

لیدا رشیدی

www.donyayemovazi.persianblog.ir

lidarashidi@ymail.com

Designer : Sobhan Moradi



www.betoo.blogfa.com
firozehmohammadi@gmail.com

بازگشت به فهرست

بعدی

قبلی

پوستر شما در کتاب پرنده وار

بازگشت به فهرست

قبلی